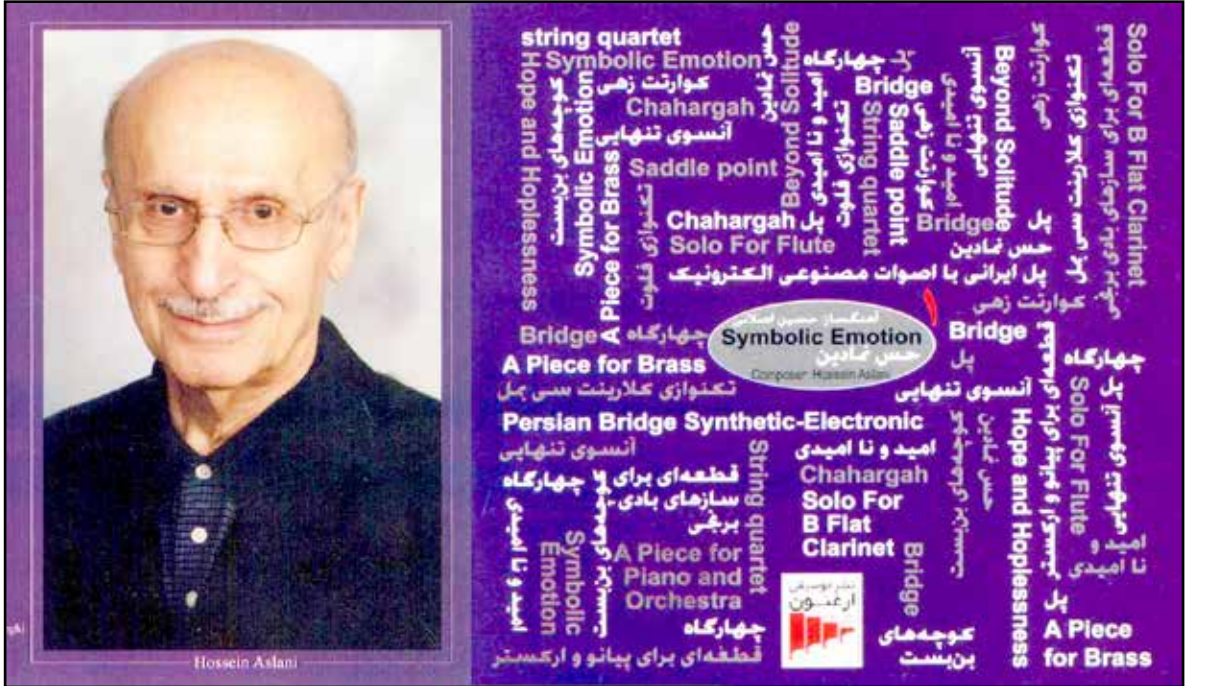


## نقد آلبوم «حس نمادین» به آهنگسازی «حسین اصلانی» به مناسبت جاودانه شدنش

# سرگشته و مهاجر



یادآوری می‌کند که رابطه شهرت و ارزش آثار همیشه مستقیم نیست و ما نیز در یافتن کم‌آزگان با ارزش در تاریخ موسیقیمان کوشا نیستیم. در یابندگی کوشا نیستیم که هیچ، در فراموش کردن آهنگسازی که یک دهه و بیشتر در رادیو ایران سابقه فعالیت موثر دارد نیز پیشی می‌گیریم. دو سی‌دی «حس نمادین» نوعی مرور بر حاصل عمر یک آهنگساز است در مدت زمان ۳۵ سال و تجربه‌های موسیقایی و غیرموسیقایی که از سر گذرانده است. حدود چهار دهه‌ای که در زندگی او با یک مهاجرت، درد و رنج جسمی و روحی (آن طور که خودش می‌گوید) وامیسد، پادزهر همه اینها رنگ آمیزی شده و هر

یک از اینها نیز در موسیقیش بازتابی یافته است. از این رو آثار او حدیث نفسانند، همین آنها را از آلبوم‌های همگونه دیگری که در دوره حاضر منتشر می‌شود متفاوت می‌کند، به ویژه که آهنگساز در دفترچه آلبوم به شرایط جسمی و روحی منجر به هر یک از قطعات اشاراتی کرده است. این حدیث نفس شاید در کار دیگران هم هست، اما لاقلاً به این شکل به آن تصریح نمی‌کنند. از این راه ویژگی‌های روانشناختی قطعات، مخصوصاً آنجا که خود آهنگساز هم تأییدش می‌کند- تا آنجا که توان بازگویی محدود موسیقی اجازه می‌دهد- شنونده را با خود به دنیای همان تجربه‌های زیسته هنرمند می‌کشاند.

بازگشتش به موسیقی گیلانی به نهایت می‌رسد. در نتیجه قطعات را کم و بیش اگر به ترتیب زمانی بنگریم نمودی از سرگذشت مهاجرت یک هنرمند ایرانی هستند در عین آن که هر یک تجربه‌ای منحصر به فرد را نیز در خود دارند. یک بار دیگر مهاجرت، برکنده شدن از بر و بوم و پرتاب شدن به جهان دیگری، این مساله بزرگ انسان معاصر (و مخصوصاً انسان ایرانی دهه‌های اخیر) به شکل هنرمندانه به‌شونده یادآوری می‌شود. این مهاجرتی است که حتی پیش از جابه‌جایی فیزیکی می‌تواند در وادی ذهن آغاز شده باشد.

گذشته از مهاجرت و تجربه دردمندان و البته انسانی آهنگساز، قطعات این آلبوم از نظر گاهی صرفاً موسیقایی نیز قابل توجه‌اند و نیز سیر تطور ذهن سبکی و مهارت موسیقایی آهنگساز را نیز به نمایش می‌گذارند. این امر هم در مورد آنها که نیم‌نگاهی به گونه‌های موسیقی مدرن در قرن بیستم (بیشتر اوایل آن قرن) دارند صدق می‌کند، مثل «کوارتت زهی» و «هم آنها» که فضایی رومانسیک‌تر یا ایرانی‌تر دارند، مثل «قطعه‌ای برای کلارینت». بهترین شاهد این تغییرات که در جهت بهبود نیز بوده است، دو نسخه مختلف از «قطعه برای ارکستر و پیانو» است که با فاصله بیش از سه دهه از یکدیگر ساخته شده‌اند و زادگاهی‌هایی در جهت فخامت و انسجام بیشتر در سازبندی و... آنها به چشم می‌خورد. قطع نظر از سیر تطور تفکر آهنگسازانه، لحظات شورانگیز یا شاعرانه، با آنچه لحظات موسیقایی ناب خوانده می‌شود، نیز در این مجموعه آثار اصالتی کم نیست.

**دوسی دی «حس نمادین» نوعی مرور بر حاصل عمر یک آهنگساز است. گذشته از مهاجرت و تجربه دردمندان و البته انسانی آهنگساز، قطعات این آلبوم از نظر گاهی صرفاً موسیقایی نیز قابل توجه‌اند و نیز سیر تطور ذهن سبکی و مهارت موسیقایی آهنگساز را نیز به نمایش می‌گذارند**

مخصوصاً در قطعاتی که برای فلوت، فلوت و پیانو و کلارینت نوشته شده که گاه حتی هیجان‌انگیز و نفس‌گیرند. حسین اصلانی، و در نتیجه بخشی از هنرمندانی آثارش نیز، برآمده از ساختار آموزش موسیقی این کشور در روز و روزگاری است که کیفیت آموزش موسیقی بسیار بالا بود و اهداف و نتایج آن لاقلاً از نظر گاه بنیانگذاران و مجریانش روشن و شفاف به نظر می‌رسید. نقش معلمانی همچون «هوشینگ استوار» و... سیستمی که به آنها میدان آموزش نسل بعد می‌داد، چیزی است که این دست آثار به ما گوشزد می‌کند. بدین ترتیب شاید آلبوم حس نمادین به طور ضمنی اهمیت نقش کیفیت آموزش در شکوفایی هنری را در خاطر آورد و نیز باز به طور تلویحی توجهی بدهد به این که سردرگمی امروزین در آموزش چگونه می‌تواند نیروی هنری را هدر کند و جوشش‌ها و استعداد‌های انفرادی را به هز بدهد و جان‌های هنرمندان را خسته و فرسوده کند.

### آرژین صداقت کیش

این روزها کم پیش می‌آید یک بسته موسیقی، یک آلبوم را که می‌شنویم شگفت‌زده شویم از بس که همه شبیه همانند. دو سی‌دی حس نمادین حتی برای بار اول شنیدن چنین حسی را در آدم به وجود می‌آورد. به تعجب و امیدارد از این که چطور آهنگساز با این آثار پخته و گاه زیبا و ماهرانه تا این اندازه کم شناخته و شنیده شده است. یا برعکس چگونه «حسین اصلانی» آهنگساز که این روزها در دنیای موسیقی کمتر نامی از او به گوش می‌خورد و به اصطلاح پسر آواز نیست، آثاری اینچنین در خور شهرت دارد. اینگونه، شگفتی

### دنگ و دونگ

درباره جریان فرعی موسیقی رپ منتشر شده در نشریه «کرونیکل»

## رپ ساوند کلادی: مقدمه‌ای بر حرکتی قوی و خاموش

نوشته: بن برانو کائو  
ترجمه: بهروز آقاخانیان

در دوره‌ای که ابراز تأسف برای رپ به‌مثابه فرم هنری یادست انداختن آن و در بدترین حالت لذت بردن از آن با حس عذاب وجدان و جبهه غالب پیدا کرده، طرفداران رپ بیش‌ازپیش احساس می‌کنند که بهتر است در جمع‌ها در مورد سلیقه موسیقی‌شان سکوت کنند تا اینکه حرفی برزنند؛ اما شاید نه از این به بعد. به‌خصوص از وقتی که با گذاشتن به دنیای تولید موسیقی دیگر نیاز به کلاس‌های تئوری موسیقی ندارد و از این بعد هم نخواهد داشت.

در اوایل دهه ۲۰۰۰، اینترنتی که تازه داشت و پا می‌گرفت، هنوز سروشکل خاصی نداشت و در واقع به‌طور بالقوه نامرئی بود. بعداً یک سری آدم فنی فهمیدند که چطور می‌شود از آن پول درآورد و در نتیجه این پدیده نوظهور خیلی زود به فنارفت. صحنه دیجیتال دنیا خیلی سریع پر از آدم‌های فرصت‌طلب و عوضی‌هایی شد که متأسفانه خلاق هم بودند و مدام دنبال این می‌گشتند که یک جورایی پول پارو کنند.

دو دهه بعد، اینترنت به بهای از دست رفتن آزادی دیجیتال در قبضه شرکت‌های بزرگ درآمد. اما این به این معنا نبود که آدم‌های باهوش همین‌طور ساکت می‌نشینند. در واقع همیشه انرژی‌ای وجود دارد که هیچ‌وقت نابود

نمی‌شود و فقط شکل آن بسته به موقعیت عوض می‌شود و بالاخره از یکجایی بیرون می‌زند.

سال ۲۰۰۷ وقتی بنیان‌گذاران ساوند کلاد این شرکت را تأسیس کردند فکرش را هم نمی‌کردند که مخلوق‌فشان به سکویی برای هنرمندانی تبدیل شود که با انرژی‌ای که دارند، می‌توانند نظر مردم را نسبت به موسیقی برای همیشه تغییر دهند. ساوند کلاد یک تجربه بود: مخلوطی از شبکه‌های اجتماعی و موسیقی که تا حالا توانسته ۱۷۵ میلیون کاربر داشته باشد. رقمی بیشتر از اسپاتیفای و سه برابر و نیم بیشتر از اپل موزیک.

کاربران سایت تعهد مالی به سایت ندارند. می‌توانند فارغ از پیش‌زمینه اقتصادی و اجتماعی‌شان در ساوند کلاد بچرخند و لذت ببرند. اما مهم‌ترین کاری که ساوند کلاد انجام داده است امکان انتشار قطعات موسیقی به همگان است. مهم نیست Travis Scott باشد یا پسرعموی هشت‌ساله‌تان. همه می‌توانند با روشی یکسان موسیقی خود را منتشر کنند.

ماصل رپ، رپ اشغال یا رپ ساوند کلادی در همین بستر شکل گرفت. شروع کننده‌های این سبک اغلب افرادی تنها و خیال‌پرداز یا هستند که در این سایت هم‌دیگر را پیدا کردند. کسانی که خودشان را به دست خلاقیتشان می‌سپارند تا ببینند زمان چه چیزی را برایشان رقم می‌زند.

این انقلاب برابری محور، روشی کاملاً جدید را در موسیقی شروع کرد. هنرمند تنها زمانی می‌تواند از موسیقی‌اش در این پلتفرم پولی درآورد که مخاطب به‌واسطه آن در معرض تبلیغات قرار بگیرد. در واقع در کشورهایی که تبلیغات ساوند کلاد فعال نیست پولی هم به‌واسطه گوش دادن شنوندگان آن کشور به هنرمند داده نمی‌شود. در دوره‌ای که صنعت موسیقی قرن بیست و یکم قبل در آمد محور شده، دسترسی رایگان به موسیقی باکیفیت برای مردم هیجان‌انگیز و کاربردی است. رادیوها، Jay Z، و هر کسی که کیف پولش را به‌واسطه این برنامه نارنجی در حال آب رفتن می‌بیند، ترسان است.

از کسانی که از طریق ساوند کلاد به شهرت رسیدند می‌توان به Chance the Rapper اشاره کرد که به‌تازگی تصمیم به فروش فیزیکی گرفته است. با این وجود هنوز به جایی که از آن شروع کرده وفادار است. جایزه گرمی که سال ۲۰۱۷ به‌عنوان بهترین هنرمند تازه‌کار دریافت کرد در واقع سمبلی بود برای نسل آینده هنرمندان که بر روی وب زندگی کرده و خواهند مرد.

کلیشه رپر ساوند کلادی در اواسط دهه ۲۰۱۰ رایج شد. نوجوانانی که ورس‌های سردستی می‌نوشتند و آنها را روی سمپلهای غیر قانونی یوتیوب می‌خواندند. این گروه اول از مومن و خطا کردند و توانستند فرمولی از خود

ابداع کنند. انرژی و شکل ظاهری مهم‌ترین فاکتورهای این فرمول است. موهای رنگی و رنگی و تنوهای که از سر و بدنشان بالا چیزی که اهمیت ندارد کیفیت آهنگ و محتوای ترانه‌هاست. وقتی اولین بار Lil Pump و Smoke Purpp که به‌شدت تحت تأثیر ماده مخدر Xanax بودند به جمع این هنرمندان تازه‌کار پیوستند، Purpp گفت: «این Pump همیشه در خانه من بود. من خودم آهنگ اولین آهنگش را ضبط کردم آن‌هم بدون میکروفن. بسا میکروفن هدفن ضبط کردیم.» واقعاً جالب است. XXXTentacion، Ski Mask the Slump God، Ugly God، Lil Yachty، Lil Uzi Vert همه و همه کارشان را با ضرب‌آهنگ‌هایی شروع کردند که دوستانشان در FL Studio در ده دقیقه درست کرده بود. به همین سادگی. با میکروفن آیفون. وقتی بقیه نوجوان‌ها دیدند که هم‌سن‌وسال‌هایشان با هیچی آهنگ ساختند و معروف شدند گفتند چرا ما نکنیم و زود دست به کار شدند.



این حرکت مانند شروع جریان پانک است. خودموسیقی به‌اندازه‌ایده‌روح‌باغی‌اش مهم نیست. جایی که هنر واقعی در خود ذات خلاق است و نه در محصول آن یعنی قطعه موسیقی. به‌خاطر فراوانی و در دسترس بودن موسیقی در سال‌های اخیر، درآمد ساوند کلاد هم چیز دندان‌گیری نیست اما با این حال این هنرمندان توانسته‌اند تا حد ممکن از آن استفاده کنند. مثلاً از طریق ساوند کلاد قطعات ساخته‌شده را در دیگر سرویس‌های موسیقی به‌طور قانونی توزیع می‌کنند یا صفحه اینستاگرامی می‌زنند و دنبال کننده (فالوئر) جمع می‌کنند. یا اینکه از طریق صفحات محبوب شبکه‌های اجتماعی تبلیغات کرده و افراد بیشتری را به گوش دادن از استریم‌ها ترغیب می‌کنند. حتی برای پرموت کردن موسیقی‌شان زیرمیزی و رشوه هم به آدم‌های بانفوذ در موسیقی داده‌اند. آنها به خودشان جریان ضعیف یا فرعی موسیقی می‌گویند ولی شاید نه تا مدت زیادی. باید دید کی به جریان اصلی تبدیل می‌شوند.

### نوا

#### اسداللهی در جشنواره فجر

گروه موسیقی «وحید اسداللهی» به سرپرستی وحید اسداللهی از نوازندگان و آهنگسازان موسیقی آذربایجان در چارچوب سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر به اجرای برنامه می‌پردازد.

وحید اسداللهی در گفتگو با خبرگزاری مهر گفت: طبق برنامه‌ریزی‌های انجام گرفته قرار است روز شنبه ۲۶ بهمن ماه کنسرتی را در چارچوب سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر در برج آزادی تهران برگزار کنیم. این کنسرت در برگیرنده اجرای رپرتواری تقریباً کامل از رنگین کمان موسیقی منطقه آذربایجان است که آنسامبلی از نوازندگان سازهای ایرانی و منطقه آذربایجان متشکل از مراد اسداللهی، رضا اسداللهی و بنده به‌عنوان نوازندگان گارمون، سعید میرزاده نوازنده کمانچه، افشار نامور نوازنده تار، فرامرز جوادی نوازنده قویپوز و تعدادی دیگر از هنرمندان پیش‌روی مخاطبان قرار می‌گیرد.

آنچه ما در کنسرت جشنواره برای مخاطبان اجرا می‌کنیم مبتنی بر چند بخش خواهد بود که در بخش بی‌کلام نوازندگان سازهای مختلف به تناسب قطعاتی که برای سازهای بومی منطقه آذربایجان طراحی شده قطعاتی را به صورت گروه نوازی و تکنوازی اجرا می‌کنند که فکر می‌کنم یکی از بهترین بخش‌های این اجرای زنده خواهد بود.



در بخش‌های دیگر کنسرت نیز که به صورت باکلام اجرا می‌شود، بهاء‌الدین خراسانی با اجرای موسیقی ردیف‌دستگاهی و ترانه‌های آذربایجانی، افشار مودن زاده از خوانندگان جوانی که در مکتب برادران مودن زاده آواز آفر گرفته موسیقی ردیف دستگاهی و شهاب میرزایی خواننده ترانه‌های عامیانه منطقه آذربایجان خواهد بود.

خیلی از مخاطبانی که از موسیقی منطقه آذربایجان آشنایی چندانی ندارند بر این باورند که موسیقی این منطقه فقط مربوط به اجرای آثاری می‌شوند که شاد و ریتمیک هستند در حالی باید گفت این قطعات شاد که ما هم در کنسرت پیش رو برای ارتقای سطح روحی مخاطبان آن‌ها را اجرا می‌کنیم فقط بخشی از موسیقی منطقه آذربایجان است. کم‌اینکه ما شرایط را به گونه‌ای طراحی کردیم که تماشاگران با گونه‌های دیگر این موسیقی در کنسرت جشنواره آشنا شده و مشاهده کنند که موسیقی آذربایجان در برگیرنده چه ظرفیت عمیقی برای پرداخت است. ما باید به سهم خودمان شرایطی را فراهم کنیم که موسیقی آذربایجان موسیقی کشور ترکیه و ریتیم‌های آن نیست که اگر به زبان ترکی روی صحنه خوانده شود می‌توان نام «موسیقی آذربایجانی» را روی آن گذاشت. این موسیقی قطعاً آقیانوسی از موسیقی‌های ارزشمند و تفکربرانگیزی است که می‌تواند تا سال‌ها در قالب‌های متفاوت به مخاطبان ارائه شود. تلاشی که امیدوارم در کنسرت پیش‌روی جشنواره موسیقی فجر بتواند مورد پسند دوستاناران این موسیقی قرار بگیرد. وحید اسداللهی از جمله نوازندگان پر مخاطب ساز نقاره است که پس‌طی دوران مختلف آموزشی در کشورمان به کشور آذربایجان سفر کرد و تحت تعلیم الماس قلی‌اف تکنیک‌های نوازندگی را آموخت. او از سال ۱۳۷۷ در باکو نزد تعدادی از هنرمندان مطرح موسیقی آذربایجان فعالیت‌های ارکسترال خود را ادامه داد. وی تاکنون علاوه بر حضور پر تعداد در ارکسترها و آلبوم‌های هنرمندان مطرح موسیقی کشورمان در حوزه‌های موسیقی ایرانی و موسیقی پاپ کنسرت‌های متعددی را در کشورهای مختلف برگزار کرده که این برنامه‌ها با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد.

کنسرت گروه «وحید اسداللهی» در قالب سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر ساعت ۲۱ روز شنبه ۲۶ بهمن ماه در مجموعه برج آزادی تهران برگزار می‌شود.